

میدون و سوفیا

عالمی در چمدان؟



پوریا عالمی

- ملت دل‌نگران بودند که چرا ما دیروز و بیروز ستون نداشتیم و چیزی ننوشتیم.
- یک‌سری گفتند نکند ما به عنوان یک روزنامه‌نگار رفته باشیم سفارت عربستان و الان توی یک چمدان در بخش تحویل بار فرودگاه باشیم.
- یک‌سری گفتند شاید او را خواباندند در آب‌نمک که به عنوان شهردار تهران معرفی کنند تا تهران بی‌صاحب ناماند.

- یک‌سری گفتند عالمی حتما فرار مغرزا کرده.
- یک‌سری گفتند حتما مثل محمودرضا خاوری و صندوق ثامن و پدیده و هزار کوفت و زهرمار دیگر، عالمی حتما پول مردم را خورده و از کشور خارج شده و صدشاح حتما فردا درمی‌آید.
- بعضی گفتند عالمی چون جاسوس بوده الان مثل یک آفتاب‌پرست دارد رنگ عوض می‌کند.
- بعضی گفتند عالمی همکار اینها بوده و مأموریتش تمام شده و الان به یک منطقه دیگر اعزام شده.
- بعضی گفتند عالمی زیر فشار دلار و یورو و تحریم و گرایه تاکسی زاییده و سر زار رفته است.
- بعضی گفتند از اول معلوم بود که عالمی این‌کاره نیست و بار خورده آمده توی مطبوعات ستون طنز می‌نویسد.

- بعضی گفتند عالمی حتما دورخیز کرده برای انتخابات ریاست‌جمهوری و می‌خواهد با قالیباف شهرداری و آذری جهرمی ارتباطات و فتاح کمیته امداد و ضراغمی اینستارگام رقابت تنگاتنگ کند.
- بعضی گفتند عالمی حتما ازدواج کرده و قول داده از این کارهای بد بد - مثل روزنامه‌نگاری - نکند و رفته سر یک شغل بی‌دردسر تر مثل آدم زندگی کند.
- بعضی گفتند عالمی حتما عاشق شده و الان دارد جفتک عاشقی می‌اندازد.
- بعضی گفتند حتما عالمی از مادرش قهر کرده و می‌خواهد برود تلویزیون و برنامه اجرا کند و بعد اعلام استقلال کند و بگوید طرفدار مردم است اما به‌زور توی تلویزیون برنامه ساخته است.
- بعضی گفتند عالمی کم آورده.
- بعضی گفتند ایشالا یک بلایی سر عالمی آمده باشد یا گرفته باشندش که همه یک مدت راحت شویم.
- بعضی گفتند حتما عالمی از «شرق» رفته و برای خودش روزنامه راه انداخته.

- بعضی گفتند عالمی پشتش باد خورده.
- بعضی گفتند عالمی قرارداد بازیگری بسته و دیگر هیچ‌کس را تحویل نمی‌گیرد.
- بعضی گفتند اصلا خوب شد که رفت از اول هم اشتباهی آمده بود.
- بعضی گفتند شاید عالمی در یک حادثه خاشجعی اشتباهی پاش شکسته و برای اینکه درد نکشد و به خاطر خودش خلاصش کرده‌اند.

جمع‌بندی

سوفیای... عشقم... همه همه چیز گفتند جز اینکه شاید عالمی هر چی می‌نویسد این‌روزها چاپ نمی‌شود و روحانی‌مچکریم در کل.

عاشق حذفی تو؛ میدون دوم

دور دنیا

تولد در کارگاه ساختمانی

- شاهزاده چارلز، وارث تاج‌وتخت بریتانیا، قرار است به مناسبت هفتادمین سالگرد تولدش که هفته آینده است، به پروژه‌های ساختمانی مرمت آثار تاریخی و احداث بناهای فرهنگی در انگلستان مشغول باشد. چارلز که «شاهزاده ولز» نامیده می‌شود، در تاریخ ۱۴ نوامبر (۲۳ آبان) یا به ۷۰ سالگی می‌گذارد. به نوشته روزنامه تلگراف، این برنامه را «بنیاد شاهزاده» که چارلز عضو بنیان‌گذار آن است به راه انداخته و اعلام کرده است که هفت کارگاه اصلی را در نظر دارد. این پروژه ۷ برای ۷۰ نامیده شده است و از جمله طرح مرمت «سالن برزاهای کاوترتی» یا بودجه پنج میلیون پوند و همچنین احداث مرکز بزرگداشت میراث فرهنگی ولز، بازسازی ویرانه‌های کلیسای استراتا فلوریدا و همچنین مجتمعی زراعی در نزدیکی آن در کردیجیون را شامل می‌شود.

این پروژه تولد ۷۰سالگی طرحی بلندپروازانه برای ایجاد پروژه‌های بازسازی و احیای جوامع کوچک در سراسر انگلستان محسوب می‌شود. برنامه زمان‌بندی سه‌ساله برای کل این پروژه‌های ساختمانی در نظر گرفته شده و قرار است این پروژه‌ها تا سال ۲۰۲۱ تکمیل شوند. قرار است فیلم مستندی نیز به همین مناسبت هفته آینده در شبکه دولتی بریتانیا به نمایش دربیاید. چارلز دربراره این بناهای در معرض مرمت گفته است: «می‌دانید، این چیزهای قدیمی بیچاره هم بخشی از کشور هستند و البته خیلی درب‌وداغان هم هستند، اما مردم محلی خیلی دوستشان دارند».

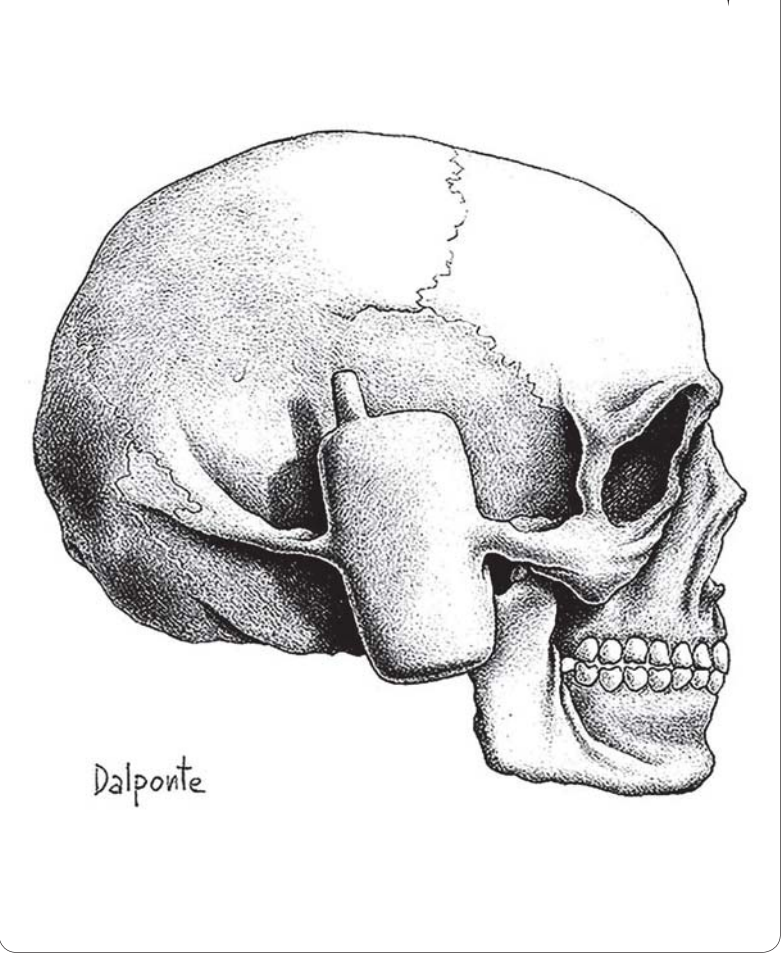
شرق روزنامه

دوشنبه « ۱۴ آبان ۱۳۹۷ » ۲۶ صفر ۱۴۴۰
۵ نوامبر ۲۰۱۸
سال شانزدهم • شماره ۳۲۸۵ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۴ • اذان صبح فردا ۵:۰۵ • طلوع آفتاب ۶:۳۱

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

پانولو دالبپوتته



صنف

بدون مشارکت نمی‌توان مطالبات را پیگیری کرد

برنا: عباس عبدی در زمینه پیگیری مطالبات بیمه‌ای روزنامه‌نگاران گفت: «روزنامه‌نگاران شاغل و عضو تحریریه طبعاً خودشان باید مسئله بیمه‌شان را حل کنند، انجمن هم کمک خواهد کرد. البته ما اقداماتی برای بیمه تکمیلی انجام داده‌ایم، اما موانع خاص و سازوکار پیچیده‌ای دارد. وزارت رفاه هم در این زمینه همکاری داشت و یکی از شرکت‌های بیمه‌ای را معرفی کرد، اما فکر نمی‌کنم دوستان زیادی آمادگی داشته باشند که تن به پرداخت هزینه بیمه تکمیلی بدهند. دوستانی هم که عضو انجمن هستند و حقوق‌بگیر نشریات نیستند و درعین‌حال می‌خواهند بیمه درمانی و بازنشستگی داشته باشند، می‌توانند با مراجعه به انجمن به وزارت ارشاد راهنمایی شوند تا مراحل کار طی شود». رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران درباره فعالیت‌های انجمن افزود: «این انجمن بیش از ۹ ماه نیست که تشکیل شده که بیشتر این زمان هم صرف تجهیز و راه‌اندازی شده و حدود یک‌ماه‌بیم است که در ساختمان جدید مستقر شده‌ایم. انجمن

پرنده آبی

ملت نشسته، ملت منتظر

پدرام سلطانی، از اقتصاددانان شناخته‌شده، چند سالی است که با پوشش «ایران من» در کار ساخت مدرسه در روستاها است. به گفته خودش تاکنون شانس بازدید از روستاهای متعددی در ۱۸ استان کشور نداشته است. سفرهایی که فرصت یادگیری بی‌همتایی زاردر زمینه‌های گوناگون از مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و جغرافیا گرفته تا سیاست، کشاورزی و توسعه و امکان دین کاستی‌ها و راستی‌های فرهنگی، در فرهنگ عمومی و خرده‌فرهنگ‌ها، فراهم می‌کند. او چند روز پیش در کانال تلگرامی‌اش متنی منتشر کرد که بیش از ۵۰ هزار بار دیده شد. اصلی‌ترین نکته مطلب این است: «تزریق فرهنگ محرومیت به باور مردم از سوی مسئولان». او با اشاره به تجربه سخنرانی‌هایش می‌نویسد: «در تمام سخنرانی‌ها واژه‌های خردکننده عزت نفس و اعتمادبه‌نفس مردم، را قیل محرومیت، نیاز، فقیر، فراموش‌شده، ناتوان و... را بارها تکرار می‌نویم و مردم روستا به‌ویژه کودکان شش تا ۱۰ساله‌ای که آنجا نشسته‌اند و گوش‌های‌شان درپچه یادگیری و شکل‌گیری شخصیت‌شان است، هم تمام این حرف‌ها را می‌شنوند. در تمام این سال‌ها و در هر حضوری از مسئولان روستا برای افتتاح مدرسه، مسجد، درمانگاه، آب لوله‌کشی، ایستگاه گاز و هر سرکشی دیگری به

گفته می‌شود که «ویزیت»، به معنای ملاقات طیب و بیمار، آجر ساختمان سلامت و اشکال در نرخ آن، منشأ و علت پیشینی بسیاری از مشکلات سلامت است، اما چرا؟ به این دلیل ساده که تعریفه ویزیت، تعریفه بخش انسانی خدمات سلامت است و نقش انسان در این خدمات همچنان محوری است و تا آنجا که افق دوران اجازه می‌دهد نقشی محوری خواهد ماند.

این حکم در نگاه اول بدیهی است، اما مثل بسیاری دیگر از بدیهیات نگاه دوم را طاقت نمی‌آورد و نیاز به بسط و توضیح دارد. علمای اقتصاد بحث خود را معمولاً از کالا شروع می‌کنند. کالا شیء یا خدمتی است که با نیروی کار تولید شده و ارزشی اضافه تولید می‌کند؛ یعنی اضافه بر هزینه مربوط به وسایل مصرف‌شده و مخارج زندگی کسی که آن کالا را تولید کرده است. کار بخشی از نیروی انسانی‌ای است که به شکل کالا درآمده است، از تولیدکننده خود منتزع شده و به فروش می‌رسد. این یکی از تعاریف بسیار ساده‌شده «ازخودبیگانگی» است و به معنای آن است که در شرایط موجودی که ایده‌آل نیست، کار درحال فروخته و از اِجَانِ جدا می‌شود. برخی آرزومندان جامعه خیالی خود را چنان تصور می‌کنند که در آن کار از انسانی که آن را به انجام رسانده جدا یا فروخته

یادداشت

مشکل تلقین وجهه سلبریتی‌های نابهنجار



امان‌الله قریابی‌مقدم

سلبریتی‌ها یا ستاره‌ها افراد مشهوری هستند که در جامعه یا امروز در فضای مجازی، به‌اصطلاح معروف می‌شوند؛ چه در زمینه هنری باشد، چه ورزشی یا حتی افرادی که در کارهای فساد مشهورند، مثل دزدان قهار یا افرادی مانند خفاش شب یا در آمریکا کنگسترهای مشهور مانند آل‌کاپون. این پدیده از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی یک مفهوم و از لحاظ جامعه‌شناسی مفهومی متفاوتی دارد. از وجهه این‌گونه افراد در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی استفاده می‌شود. در زمینه سیاسی می‌توان به استفاده رونالد ریگان که خود بازیگر بود از فرانک سیناترا، خواننده و بازیگر، اشاره کرد که چون فرانک سیناترا، ۶۰ میلیون یا ۷۰ میلیون طرفدار داشت، از او استفاده شد. نمونه این امر در ایران نیز استفاده از ورزشکاران مشهوری مانند آقای رضازاده یا به‌تازگی استفاده از تنلو در انتخابات بوده است. از این افراد در زمینه سیاسی بهره‌برداری می‌شود. از نمونه‌های مثبت هم می‌توان به کار مرحوم تختی در زلزله اشاره کرد یا اقدامات آقای دایی در زلزله اخیر. به‌رحال، سلبریتی‌ها ممکن است لزوماً آدم‌های خوبی نباشند و بسته به شغل خود ممکن است در کارهای نابهنجار و فساد نیز اشتغال داشته‌اند باشند. این مفهوم «تلقین وجهه» نام دارد؛ یعنی از وجهه این افراد در زمینه‌های خوب یا بد استفاده می‌شود و الگو و نماد می‌شوند. تلقین از لحاظ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، به‌طورکلی عملی نیندیشیده و ناآگاهانه است که تحت تأثیر القانات از فرد انجام می‌شود و بالطبع فضای مجازی، رادیو و تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و... می‌توانند برای استفاده مادی از این افراد، آنها را بالا ببرند و اگراندیس‌مان کنند. البته در جوامعی مانند جامعه ما که در آن نوعی «قهرمان‌ستیزی» و بدبینی نیز وجود دارد، ممکن است این افراد مورد دشمنی هم قرار بگیرند و عده‌ای سعی داشته باشند آنها را بدنام کنند که نمونه‌اش ماجراهایی است که به‌تازگی برای بدنام‌کردن آقای دایی ایجاد شد.

فردی به نام تتلو، به‌اصطلاح سلبریتی‌ای است که در زمینه بدنامی و فساد و در مظاهر بدی الگو قرار می‌گیرد که این را از خال‌کوبی او گرفته تا رفتار و سلوکش با زنان و دختران می‌توان دریافت. نمی‌توان از او که نمونه یک سلبریتی معروف به بدنامی است، انتظار دیگری داشت. او برخلاف افراد مشهور دیگری است که در همین حوزه هنر موسیقی هستند؛ برخلاف افراد خوش‌نامی مانند آقای شجریان که به‌خوبی معروفاند. به این دلیل که چنین افرادی از جنس لات و اوباش و هرزه‌گر هستند، زمانی هم که از آنها استفاده شود، جامعه خلاف انتظار افرادی که می‌خواهند از آنها استفاده کنند، واکنش نشان خواهد داد.

• امیرحسین مقصودلو- معروف به تتلو - با انتشار پست‌هایی، تشویق به خشونت علیه زنان کرد. او که ۴۰۱ میلیون فالوئر دارد، با وجود این پست‌ها توانست بیش از چند ۱۰ هزار لایک دریافت کند؛ اما بسیاری نیز او را رپورت کردند. به‌این‌ترتیب شبکه اجتماعی اینستاکرام اعلام کرده است که حساب کاربری او را به دلیل نقض قوانین این شبکه اجتماعی مسدود کرده است.

آکادمی

ویزیت، جانِ کالا شده

«ویزیت» قابل استحصال نیست. اختلافات موجود در بین رشته‌های مختلف در ارزیابی خدمات تکنولوژیک تشخیصی و درمانی‌شان را باید از این زاویه نگرست که می‌توان آن را کم‌کردن سورآخ دعا هم نامید. ترجمه نعل‌به‌نعل کتاب تعریفه‌های آمریکا (کتاب کالیفرنیا) به زبان فارسی بدون تعریف واحد خدمات انسانی‌ای که در این کتاب به دقت تعریف شده و سایر معیارها بر اساس آن قرار دارند تنها تمدید مشکلات تا آینده‌ای نامعلوم است. ساختمان‌ها، دستگاه‌ها، داروها و تمام اسباب و آلات متداول و پیشرفته پزشکی تنها با «حضور» و «کار» پزشکان، پرستاران و تکنیسین‌های پزشکی است که شکل بیمارستان و درمانگاه به خود می‌گیرند، جان می‌یابند و به حرکت درمی‌آیند. ساختمان‌ها با گذشت زمان فقط گردوخاک تولید می‌کنند، کامپیوترها حتی قادر نیستند بر یک هزارم واحد اضافه آزمایشی که جواب آن در چند هزار واحد در نوسان است چشم بیوشند تا چه برسد که بخواهند بیماری را تشخیص دهند یا خدای‌ناکرده تصمیم برای جراحی بگیرند و پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها هم در جای خود در طول زمان فقط زنگ می‌زنند.

همه آرزومندند اقتصاد که تنها به معنای اقتصاد سرمایه‌داری وجود دارد رخت بریندد، اما در دنیایی که اقتصاد هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد همین «جان کالاشده» است که خدمت می‌آفریند و انکار قوانین اقتصاد در مورد آن هیچ معنایی به‌جز تنزل روزافزون کیفیت آن نخواهد داشت. همه اقتصاددانان از هر نوع این را خوب می‌دانند و در هر مورد برای شما به خوبی توضیح خواهند داد؛ در همه موارد، البته به‌جز ویزیت!

روایت

رنج‌نابرده

توفان گرکانی

می‌شود) و طنز تلخ «صندلی بازی» را طنزتر و تلخ‌تر می‌کند! کارگردان (علی‌اصغر دشتی) و نویسنده متن (کیوان سررشته)، به خوبی قدرت «نام» و «نام‌گذاری» را می‌دانند و با سه‌بخشی‌کردن آن، جان فروپاشی را کالبد می‌بخشند! جغرافیا، نام‌گذاری، زبان و لهجه، در این نمایش، نقش‌های کلیدی و به‌هم‌پیوسته دارند و توری را شکل می‌دهند که به قول آن دیگری عزیز، «ماهی ناخودآگاه را با آن صید می‌کنند». ناخودآگاه که در طول نمایش حضور پررنگی دارد و پس از آن ما را تشویق به تداعی آزاد می‌کند... برکف صحنه، نام شهرهای مختلف و محل اتفاقات، نوشته شده است: تهران، یزد، سن‌پترزبورگ و... و صحبت از زبان و ترجمه نیز هست و آنچه در ترجمه از دست می‌رود یا به دست می‌آید... زبانی که اکامین معتقد است، ما دیگر تجربه‌اش نمی‌کنیم و به همین دلیل حرف می‌زنیم، اما چیزی نمی‌گوییم! شخصیت‌های این نمایش هم گاهی، نه‌تنها «چیزی» نمی‌گویند که به «چیزی» هم گوش نمی‌دهند و گاه «همه» با هم صحبت می‌کنند و این «همهمه» نمی‌تواند چیزی جز «هیچ‌گویی» باشد؛ اشاره به لهجه (یزدی) که کارگردان/ راوی، برای بهترشدن موقعیت کاری، ناچار به «لغو» آن شده است، ما را به یاد شازده‌کوچولو می‌اندازد، شازده‌کوچولویی که در این روایت به او اشاره می‌شود و تصویرش روی دیوار تماشاخانه نقش بسته است) و ستاره‌شناس اهل ترکیه آن داستان که برای قبولاندن کشف مهم خود، ناچار می‌شود لباس‌های سنتی خود را «لغو» و لباس‌های غربی به تن کند!

این نمایش چندرسانه‌ای و لایه‌لایه، با حکایت‌های موازی، هزارتویی را ایجاد می‌کند که برای درک معماران آن، باید چنان به تماشا نشست که گویی «فراموشی هستی» را در خانه جا گذاشته‌ایم و تماماً و گوشیم و حوس.

و در پایان، یادآوری حضوری در صحنه آغازین، ضروری به نظر می‌رسد: حمید حبیبی‌ر روی صحنه می‌آید و به ما اعلام می‌کند که دچار بیماری بسیار نادری به نام پروگریاست که یک نفر از هر هشت میلیون نفر به آن مبتلا می‌شود و در سنین بسیار کم می‌میرد و نتیجه می‌گیرد که در بد نوع قرعه‌کشی‌ای برنده شده است! حضور او اما از جسمش، فضای جدیدی برای بیان هنری می‌سازد که در آن پرسش بنیادی نمایش مطرح می‌شود: شما فکر می‌کنید که چند سال زندگی خواهید کرد؟

پرسشی ابتدایی که به صورت نقطه‌گذاری، در

طول نمایش شنیده می‌شود.

این پرسش یک نمایش‌نامه نیست، این پرسشِ خود زندگی است....

